نوشته های خواندنی و گفته های شنیدنی

ظهر ساعتی برای صرف خوردنی دست از شغل خود کشیده و در سایهء درختی وامیکنند.پس از اندک استراحت مجدد را مشغول کار شده تا غروب آفتاب سعی و عمل خود را مداومت‏ میدهند.زنان در خانه فرمانروائی دارند،بمییل خود می‏آیند و میروند،جامه‏هاشان از لنکی و کوتاهی به بدن چسبیده است. سحرکاهان برخاسته آتش اجاق را می‏افروزند و نان روز را تقسیم کرده مردان را پی کار روانه میکنند،کاو و گوسفند را تحت مواظفت بچکان به چرا میفرستند،سپس کوزه‏ای برداشته‏ بطرف رود نیل میروند،در آنجا به زنان قبیله برمیخورند و صحبت‏کنان-درحالی‏که کردنهاشان زیربار سبوهای آب‏ تا شده‏به کلبه‏های خود برمیکردند.در رسیدن بخانه چند مشت غله روی تخته سنک مقعر مستطیلی ریخته بزحمت بسیار و حرکت تمام بدن با سنک کرد کوچکی نرم میکنند.و آن آرد را که با سبوس و دانه‏های نیم شکسته و درست مخلوط اس تیا کمی آب خمیر نموده بدون آنکه بکذارن تخمیر شود چانه‏ کرده روی سنکهای مسطح داغ و خاکستر کرم اجاق می‏پزند. در حینی که زنان باین کار اشتغال دارند دوشیزکان به رشتن‏ و بافتن میکذرانند.

نوشتهای خواندنی‏ و گفته‏های شنیدنی

در تحت عنوانهای فوق کاه‏کاه برای تفریح خاطر خوانندکان‏ نوشتها و کفته‏های اشخاص رسمی و معروف را که جنبه فکاهی‏ دارد،اکر چه صاحبان آنها با نظر جدی بیان کرده‏اند،در مجله درج خواهیم کرد.از قارئین محترم هم خواشمندیم‏ از این قبیل ننوشتها و کفته‏ها که از مسافرتهای مظفر الدین شاه بفرنک،سفارت کبرای برادران ناظم الدوله و علاء الملک‏ و غیره،و استخاره‏نامه‏های محمد علی میرزا در باغ شاه برای‏ مخالفت با مشروطیت و امثال آنها،بیادکار مانده است هرچه‏ بدست آرند با مدارک صحیح برای ما بفرستند که همه مضحک، همه خواندنی و همه شنیدنی میباشد.فرستندکان محترم‏ اگر مایل باشند که با قید اسم آنان در مجله درج شود لطفا اشاره فرمایند.

\*\*\*

مراسله

ناظم الدوله سفیر کبیر ایران در اسلامبول بوزارت خارجه طهران‏ نمره 46-20 ربیع الاول 1310

سفارت طهران ببابمالی نوشته بود ایرانیها میخواهند در فلاحیه قراولخانه بسازند ممانعت خواهیم کرد-صدر اعظم‏ مقرب الخاقان آوانس خان‏باش ترجمان را صدا کرده از او پرسیده بود فلاحیه کجاست-او نمیدانست از بنده پرسید بنده‏ هم نمیدانستم کجاست-قرار شد مجددا بشارژه دافر خودشان‏ بنویسنمد و ایضاحات بخواهند-مستدعیم من بعد هر اسمی که‏ مینویسید توضیح بدهید ایالت است کوه است تپه است چه‏ چیز است ایل است اسم است نقطه سرحدی است؟چون اسامی‏ ایلات و نقاط سرحدی در بابعالی ثبت نیست جسارت نمود- تبعه ایران است تبعه عثمانی است ایل ماست ایل عثمانیست؟ آنها هم مثل ما نمیدانند کاهی از بنده میپرسند ایل تبعه‏ شماست یا تبعه ما؟بواسطه بی‏اطلاعی غالبا مجبور میشوند بچند ایالت تلکراف کرده اطلاع بخواهند.1

\*\*\* (آینده)مراسله خنده‏آور فوق نشان میدهد که رجال‏ سیاسی عثمانی از«دیپلماتهای»ما و سیاسیون ما از دیپلیمات‏ های آنها کمتر نبوده‏اند

(1)مراسله فوق از کتاب خطی تاریخ روابط ایران و عثمانی تالیف آقای خان ملک نقل شد.